

## روسای جمهور پس پرده و روی پرده در افغانستان!!



### پروفیسور حبیب الرحمن ہالہ

چون نظام دموکراسی، بدون آماده سازی شرایط عینی و ذهنی تطبیق آن، توسط امریکا و از طریق حامد کرزی به مثابه ( شاه شجاع امریکا) تحمیل گردید، این پرسشها از تحمیل کننده و پیش برنده نظام در ذهن اکثر افغانهاخطور می نماید:

۱ - چرا در دوره سیزده ساله حکمروایی حامد کرزی از ایجاد احزاب سیاسی، که رکن درجه اول نظام دموکراسی پنداشته می شود، به گونه دموکراسی ناکام و نام نهاد دوره ظاهر شاه، طفره روی به عمل آمد؟ و امریکا آنرا ندیده گرفت؟  
 ۲ - چرا در دوره حکمروایی کرزی قدرت سیاسی به گونه نظامهای دکتاتوری در حکومت مرکزی متمرکز مانده، طبق خواست دموکراسی، قدرت میان حکومت مرکزی، ولایتی و محلی تقسیم نگردید؟

۳ - چرا در دوره حکمروایی کرزی، کشور کوچک افغانستان به 33 بخش کوچک به نام ولایت که برخی از آنها ماهیت ولسوالی را دارند تجزیه شده، ضعیف شده و عاجز از تامین امنیت خود باقی مانده و مانند کشور های پیرو نظام دموکراسی به چند ولایت بزرگ ( حد اکثر تا ده ولایت) تنظیم نگردید؟ در حالیکه کثرت و پاشیده گی ولایات زمینه های نفاق ملی را مهیا می سازد.

۴ - چرا در دوره حکمروایی کرزی پیش از انتخابات به ویژه انتخابات ریاست جمهوری تذکره الکترونیکی توزیع نگردید تا از تقلب های آشکار جلوگیری می شد؟

۵ - چرا در دوره حکمروایی کرزی، در حال موجودیت بیش از یکصد هزار نیروی نظامی کشور های پیمان ناتو اعمال تروریستی پاکستان و نا امنی مزمن ادامه یافته، در مقابل حکومت افغانستان و هم کشور های ناتو خاموشی مرگبار اختیار کردند.

۶ - چرا سر دمداران بی غیرت کشور ما دستگاه استخبارات نظامی حکومت نام نهاد ( اسلامی) پاکستان را که گماشته گان شان ( طالبان) قتل، غارت، انتحار و ویرانی را در افغانستان دستور کار خویش قرار داده اند به حیث دشمن تروریستی مردم افغانستان تلقی نکرده و از موقف روشن و سیاست در خور آنها طفره رفته اند؟ و چرا طالبان را که ضد فرموده قرآن و ضد انسانیت عمل

میکند، آنها را فریب خورده، برادر، برادر ناراضی و اینک مخالف سیاسی یاد میکنند؟ ویا طالب دستگیر شده و انتحار کننده را به جای اینکه به کیفر اعمال کثیفش برسانند، رها ساخته و رها می سازند؟

۷ - چرا در دوره حکمروایی کرزی، بدون نظرداشت رسیده گی و عرضه خدمات و تامین امنیت، به زور مندان اجازه داد که زمین های دولتی را در کابل و ولایات غصب کنند؟

۸ - چرا در دوره حکمروایی کرزی فساد اداری علنی، گسترده و در یا نوشی رایج شد و بودجه دولتی و امدادهای بیلبونی کشور های خارجی حیف ومیل شد؟

۹ - چرا در دوره حکمروایی کرزی، زیر نام دموکراسی، قانون جنگل یعنی زور گویی و خود قانونی حکمروایی داشت؟ و چرا امریکا چین به ابرو نیاورد و کرزی از خجالتی جام زهر ننوشید؟

۱۰ - چرا اراکین عالیرتبه و کارمندان فنی و اداری نه بر مبنای تکنوکراسی که نظام دموکراسی ایجاب میکند، بلکه بر مبنای خویش خوریهای قشری ممیزه نظام فیودالی صورت گرفت؟

۱۱ - چرا در دوره حکمروایی کرزی، پارلمان کشور دستخوش تکتازی، خود محوری، بی نصابی و انارشی بوده است؟ آیا عدم وجود احزاب سیاسی عامل آن نیست؟

۱۲ - چرا در نیمه انتخابات دوره به اصطلاح دمو کراسی، به ویژه انتخابات رئیس جمهور از تقلب آشکار استفاده به عمل آمد و چرا حکومت های افغانستان و امریکا به این جنایت سیاسی بی تفاوت ماند؟

۱۳ - چرا حکومت موجود با یک شیوه بدعتی از نتیجه تقلب که نظیر آن هرگز دیده نشده و تا هنوز معلق مانده، به نام حکومت وحدت ملی رویکار آمد؟

۱۴ - چرا پس از امضای توافق حکومت وحدت ملی!! برای رئیس اجرایی از طریق پارلمان صبغه قانونی داده نشد؟ آیا رئیس اجرایی درج نشده در قانون اساسی صلاحیت رسمی وقانونی دارد که در تشکیل کابینه سهمگیری کند؟

۱۵ - چرا گزینش وزرا بیشتر از مدت قانونی پا بر جا ماند و برخی از آنها در کنفرانس لندن سهم شدند؟

۱۶ - چرا حلقه فاسد و دسیسه ساز درون ارگ ریاست جمهوری که گفته میشود در میان آنها اجنت های ( ای اس آی ) وجود دارند و هم در تقلب انتخابات دست داشتند به مثابه ستاد مورد اعتماد رئیس جمهور جدید جا به جا مانده اند؟

۱۷ - چرا به امرخیل، که تقلب کاری او چون دزد با پشتاره از طریق تلویزیونها به نمایش در آمد، جایزه داده شد؟

۱۸ - چرا حکومت وحدت ملی مورد تهدید روز افزون قرار گرفتن تمام شئون زنده گی مردم از طرف تروریستان طالبی را( در درجه اول اولویت کاری) قرار نداد تا نهادهای امنیتی متحدهانه ومسئولانه پلانهای تکنیکی و سترا تیژیک شان را مورد تطبیق قرار بدهند؟

۱۹ - چرا پیش از خروج دوره اول و اخیر عساکر امریکایی از افغانستان، در بار نخست مقدار زیادی از وسایل نظامی باقیمانده امریکایی ها به گونه آهن پاره تبدیل شد و اخیراً که میخواستند وسایل را به اوکراین بدهند، حکومت افغانستان بی توجه ماند؟ در حالیکه پس از خروج عساکر شوروی در افغانستان وسایل نظامی قابل ملاحظه در افغانستان گذاشته شده بود؟

برای تمام پرسشهای ذکر شده، میتوان یک شاه پاسخ ارائه نمود: نظام دمو کراسی افغانستان واقعی نبوده بلکه تقلبی است. زیرا دموکراسی؛ حکومت مردم، از طرف مردم و برای مردم تعریف شده است. در حالی که نظام افغانستان جز برای برای برده سازی اهداف منظوقی امریکا چیز دیگری بوده نمیتواند. بنا بران شاه شجاع ها در افغانستان به روبات شباهت دارند. ضمناً شاه شجاع اصلی و شاه شجاع های روسی بهتر از شاه شجاعان امریکایی بودند. زیرا آنها تابعیت رسمی دوگانه نداشتند.

اگر چه تعدادی به شمول آگاهان سیاسی ایجاد حکومت وحدت ملی را یک امر مفید و حلال مشکلات به میراث مانده از کرزی تلقی می نمایند، مگر از نگاه من ایجاد حکومت وحدت ملی یک دیپلوماسی ماهرانه بود که وزیر خارجه امریکا در عمل پیاده کرد. به این معنی که او از یکطرف تقلبات گسترده و ننگین انتخابات ریاست جمهوری افغانستان را ماست مالی کرد و از سوی دیگر پذیرش تقلبی داکتر غنی و شکست تقلبی داکتر عبدالله را به بهانه تصادم مسلحانه بین دو ستاد بر داکتر عبدالله تحمیل کرد. البته وزیر خارجه امریکا به اثر یکجا سلازی دو گروه متضاد و بی اعتماد بر یک دیگر از تصمیم گیری های عاجل مورد نیاز کشور جلوگیری به عمل آورده و زمینه شدت گیری اعمال تروریستی طالبان را فراهم ساخت.

با اطمینان باید گفت ، تا زمانی که سیاست نوالوجهین امریکا مورد کار برد قرار داشته باشد، اعاده امنیت و شرایط زنده گی عادی مردم افغانستان نا ممکن میباشد.

در عین زمان، من از انتخابات اخیر تغییرات مفید به حال کشور را توقع برده نمی توانم. زیرا رئیس جمهور روی سٹیژ را با رئیس جمهور پس پرده و رئیس جمهور پس پرده را با رئیس جمهور روی سٹیژ تعویض نمودند و بس. به این معنی که در وقت ریاست جمهوری کرزی، داکتر اشرف غنی حیثیت رئیس جمهور پس پرده را داشت و در وقت ریاست جمهوری اشرف غنی، کرزی حیثیت رئیس جمهور پس پرده را دارد. با این زد و بند قصه داکتر عبدالله مفت خواهد بود. زیرا در قانون اساسی گنجاندن و به رسمیت شناختن مقام نخست وزیری را به آینده موکول نموده اند. بنا بران با باقی ماندن در موقف رئیس اجرایی غیر قانونی، حکومت وحدت ملی نیز صبغه قانونی خواهد داشت. بنا بران امور طور شاید و باید به پیش نخواهد رفت و این چیز است که آی ای وبادارانش میخواهند.

این نیشته با این نتیجه گیری به پایان می رسد:

انسان با کاربرد مثبت عقل و منطق در عرصه علوم طبیعی و اجتماعی پیشرفتهای شگرف کرده است. اما شماری از اشخاص و گروه های خود خواه و خود محور و درنده خوی با استفاده سوء، جهان را به جای مدینه فاضله به سوی جنگل و قانون جنگل سوق میدهند و قانون جنگل را بر خلاف ماهیت دموکراسی به نام دمو کراسی مسما مینمایند. این خلاف ورزی را نه تنها در افغانستان بلکه در برخی کشور های دیگر نیز می بینیم. به همین دلیل است که اهالی کمزور و بی زور کشور ها دستخوش تباهی می شوند.

رویهمرفته تا قانون اساسی ناقص و نیم بند کشور ترمیم نگردد، واحزاب سیاسی به معنی واقعی آن ایجاد نگردد، امیدی به بهبود اوضاع وجود نخواهد داشت.

**هفته نامه (افق) استرالیا**